قول الباهر

فی دعوة المباهل

مولف:

ابوعبداللّٰه تربتی سلفی

بسم اللّه الرحمن الرحیم

متونی را یافتم که افراد جاهل و سفهاء القوم دعوت شیخ عدنانی را همچون دعا ابو جهل که برای جنگ بدر خروج کرده بودند مساوی قرار داده بود

ابو جهلی که به جنگ اسلام و مسلمین و نبی اکرم صلی اللّه علیه و آله و سلم رفته بود و جنود دولت اسلامی به جنگ کفار و مرتدین و منافقین و علمانیین و سکولاریسمهای عرب و عجم لیکن تشبه به ابو جهل می شویم

اللّه متعال می فرماید : «پس هر کس که در این (باره) پس از دانشی که به تو رسیده با تو محاجه و ستیز کند، بگو: « بیایید تا فرزندان مان و فرزندانتان و زنان مان وزنانتان، و (نفوس و) نزدیکان مان و(نفوس و) نزدیکانتان را فرا خوانیم، آنگاه مباهله کنیم، و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم».

آل عمران (61)

مباهله امری مشروع بوده که از قدیم تا به امروز جاری بوده است تا اظهار حق شود و باطل اضمحلال شود

أمام ابن قیم در مقدمه نونیه می نویسد: «و مناظره هنگامی که به این حد رسید که فایده ایی در آن نماند شایسته است که آنچه امر اللّه متعال و رسولش که رجوع کرد که همان مباهله است.»

نگاه کن که اینجا چگونه مباهله را از امر اللّه و رسولش میداند

و همچنین می نویسد :

«و همچنین از سنت مباهله در اهل باطل این است که هنگامی که حجت بر آنها قایم شد و بر نگشتند و بر عناد خود اصرار کردند به مباهله دعوت داده می شوند و اللّه متعال رسولش را به آن امر کرده و نگفته این برای امت بعد تو نیست.»

و این امری بوده که از قدیم جاری بوده و کسی آنرا سنت ابو جهلانه همچون این جهال عن بکره ابیهم ندانسته است

خود امام ابن قیم رحمه اللّه تعالی از جهمیه معطله زمان خود طلب مباهله نمود

و شیخ الإسلام ابن تیمیه رحمه اللّه تعالی از صوفیان حلولیه و اتحادیه زمان خود طلب مباهله نمود و ایضا از قرامطه آن زمان میگوید:

«وطلبت مباهلة بعضهم» یعنی:از آنها طلبه مباهله نمودم.

حتی این مشهور است که گفتند برای اظهار حق و نصرت حق حاضر هستم مباهله با آتش انجام دهم اما آنها حاضر نگشتد و نصیحت فرمودند که اگر لازم شد برای نصرت حق با هر چه آنها راضی شوند مباهله کنید اللّه متعال شما را نصرت می کند و دینش را بلند می کند

و امام ابن عباس رحمه اللّه بر کسانی که بر او در مسایل فرعی عیب می گرفتند طلب مباهله نمود

تا جایی که امام اوزاعی از سفیان ثوری هنگامی که امر رفع الیدین را منکر شدند طلب تباهل نمود .

همه اینها برای اظهار حق و نصرت سنت نبوی بوده است و کسی بر آنها عیب نگرفته است .

و امام ابن حجر میفرماید : «وفیها مشروعیهٔ مباهلهٔ المخالف أذا أصر بعد ظهور الحجهٔ وقد دعا ابن عباس – رضی الله عنه – الی ذلک ثم الاوزاعی، ووقعذلک

لجماعة من العلماء ومما عرف بالتجربة ان من باهل وكان مبطلا لا تمضی علیه سنة من یوم المباهلة ثم قال : ووقع لی ذلك مع شخص كان یتعصب لبعض الملاحدة فلم یقم بعدها غیر شهرین.»

ترجمه: و در این مشروعیت مباهله است هنگامی که اصرار کرد بعد اقامه حجت که ابن عباس و اوزاعی به آن دعوت داده اند و برای علمایی چنین وقایعی تفاق افتاده است و ثابت شده است با تجربه که شخصی که مباهله کرده و باطل بوده بیشتر از یك سال نگذشته مگر اینکه از وقت مباهله مگر هلاک شده است.

و برای من چنین اتفاق افتاده که برای یکی از اشخاصی که از ملحدین تعصب داشت بعد از دو ماه بیشتر نماند. (زیرا مباهله نمود)

که شاگردش سخاوی می گوید: شیخ ما ابن حجر با یکی از متعصبین ابن عربی مباهله نمود تا اینکه شیخ ما گفتند اگر دروغ می گویم اللّه مرا لعنت کند و اگر دروغ می گویی اللّه تو را لعنت کند و بعد از مدتی نگذشت که دردی در پاهایش احساس کرد و صبحش چشمانش را از دست داد و بعد آن به یك روز بعد مرد و هلاك شد .

(القول المنبی عن قول ابن عربی)

و امام محمد بن عبداللّه الوهاب رضی اللّه عنه به مخالفین زمان خود چنین نوشت : «وانا ادعومن خالفنی الی احد اربع : اما الی کتاب الله ، واما الی سنۀ رسول الله، واما الی‌اجماع اهل العلم فان عاند دعوتنا دعوته الی (المباهلۀ) کما دعا الیها ابن عباس – رضی الله عنه - فی بعض المسائل فی الفرائض، وکما دعا الیها الاوزاعی سفیان فی مسالۀ رفع‌الیدین وغیرهما من اهل العلم.» انتهی .

ترجمه: و من به کسی که مخالفت من می کند یکی از این چهار چیز را دعوت می دهم یا کتاب اللّه و یا سنت رسولش و یا اجماع مسلمان(برگردد) و یا اگر عناد می کند دعوت به مباهله میدهم همانطور که ابن عباس بخاطر برخی مسائل میراث طلب مباهله نمود و یا اوزاعی بخاطر رفع الیدین و دیگر اهل علم بخاطر ان دعوت دادند .

و شیخ صدیق حسن خان قنوچی رحمه اللّه با مخالفین خود که اسما و صفات را انکار می نموند مباهله نمود و اللّه متعال آن شقی را بیشتر از دو ماه مهلت نداد و از بین برد .

حکایات از این مورد زیاد است که به این اکتفا می کنم

به هر حال سنت مباهله یک سنت ماضیه بوده و حکمی از احکام شریعت بوده که اللّه متعال عباد مؤمنین را در آن ظفر و پیروی میدهد و دشمنان کتاب و سنت و اجماع مسلمین را نابود می کند .

اما آنچه را که این شخص جاهل تکبر دانسته است سخت در اشتباه بوده زیرا این صفت تکبر همچون صنادید قریش بر آنها بوده است چون الحمد للّه دولت اسلامی تا بحال وجود دارد و از زمان مباهله تا به حال رو به پیشرفت بوده و در مقابل عدو صائل دفاع نموده و خود شیخ عدنانی که مباهل بودند اللّه متعال بر عمرش برکت نهاده و به جای هلاک شدن ایشان اللّه متعال روز به روز دشمنانشان را هلاک تر می نماید از تفریق جماعت طالبان گرفته و خیانت کردن احزاب مؤتلف با جبهه النصره و هلاک شدن زهران علوش رهبر جیش الإسلام و هلاک شدن رهبر احرار شام که از شاخه های اصلی صحوات شمرده می شدند و عاجز ماندن آنها در مقابل دولت اسلامی در حلب شمالی و قلمون غربی و غیر ذلك.

و معترض از شهادت شیخ أبو اسامه عراقی مسرور نشود زیرا ایشان یک والی منطقه بود نه چیز دیگر که وظیفه اش را انجام داد و هنگام اجلش تأخیر نشد آیا شما یک والی را با یک رهبر خود که تمام عمرش را در اطاعت آل سلول گذاشته بود و رکنی در مقابل آنها حساب میشد یکی میدانید ؟؟؟

گرچه من این را به اندازه عقل ظاهری شما مخالفین می گویم اما همین تفریق بین صفوف شما دردش از همه چیز بالاتر است

و بإذن اللّه تعالی بر جنود دولت اسلامی مخفی نیست که روزانه چه تعداد از افراد صحوات توبه کرده و استتابه میشوند و بر صفوف دولت اسلامی ملحق میشوند و کجا شدند آن کتایب نور الدین زنکی و لواء الشرك و دیگران از نخاله های شما .

و اگر انقدر به دعا مباهله خود فخر می کنید و محیسنی را پیروز آن میدانید بگویید چه کاری توانسته اید انجام دهید آیا جز ذلت برای شما چیزی دیگر مانده است اگر متهم شدیم که تل ابیض از دست داده ایم و مناطق دیگر پس چرا شماها حلب شمالی را تقدیم دختران فاحشه پ ك ك نمودید و خود از آنجا راضی شدید کوچ کنید آیا همین است پیروزی شما در مباهله. ؟ ؟!

بیش از یک سال است که از گذشت مباهله میگذرد بر کثرت و شوکتش افزوده میشود آن هم بدون هیچ طمعی به آل سلول و دیگر طواغیت دنیا اما صحوات اعلان اخیرا اعلام داشتند که بدون نصرت و حمایت کشورهای خلیج ما معرکه را باخته ایم چرا حزبتان که رحمانی است چنین دست به دام طواغیت گشته اند

لذا این است که آن افراد این مباهله شیخ عدنانی را همچون دعوت ابو جهل میدانند و خود قسما باللّه در تکبر جاهلانه قرار دارند و احساس نمی کنند .

اللّه متعال در غزوه بدر فرعون این امت را نابود نمود لیکن چرا شماها مباهله تان آثاری از قبولی در آن یافت نمی شود که شب را روز در این آروز سپری می کنید که اللّه متعال شیخ عدنانی و یا شیخ ابوبکر بغدادی را نابود کند اما آثاری در آن دیده نمی شود در حالیکه از أقوال أهل علم رحمهم اللّه بیان داشتیم که با تجربه ثابت شده است که مباهل بیشتر از یك سال دوام پیدا نمی کند هلاك می شود.

و بإذن اللّه تعالى تا آن هنگام که جان در بدنمان باشد و یك وجب از خاك در دستان جنود دولت اسلامی باشد صحوات را سوء العذاب میچشانند تا بدانند معامله بر عکس بوده اما عناد شان آنها را متلبس به صفات یهود نموده است.

لذا الان وقت شادی شما نیست زیرا هر وقت دیدید که دولت اسلامی با اهلش از بین رفت و نامی از آن نماند آن وقت جبهه جولانی بهمراه امرایش به پایکوبی مشغول شوند و طالبان وطنی از فرط خوشحالی مشغول مواد فروشی خود شوند و ایمن الظواهری بیعت خود را با اختر تجدید کند

فسوف ترى اذا انکشف الغبار

أفرس تحت رجل أم حمار

فتربصوا انا معکم متربصون

و مباهله شیخ عدنانی آخرین هدف بود و سنتی بود که از قرآن و سنت و اجماع و سلف امت ثابت شده است اما وقتی نوبت شیخ عدنانی میرسد که راه دیگری را نمی بیند منافقین و الذین فی قلوبهم زیغ ایشان را با ابو جهل یکی میداند اما فرق را ببین از کجا تا به کجاست

اللّه المستعان و علیه التکلان

لیکن قسم به رب العالمین حقانیت منهج ما به نص و تجربه برای ما ثابت شده است و از سرزنش هیچ سرزنش کننده ای هراسی نداریم

مه فشاند نور و سگ عوعو کند...

اما اشکال ندارد اگر مباهله شیخ عدنانی از روی تکبر و جهل بوده است از منظر شما.

و شما بر حق و مؤمنان صادقین بوده اید

بنده ابو عبدالله سلفی إعلان می کنم که با یکی از این افراد زیر آماده مباهله بسوی الله رب العالمین هستم تا حق اظهار شود و کلمه کفار و مرتدین از شوکت بیفتد و کلمه الله متعال بلند شود و مشخص شود چه کسی حزب ابو جهل است و چی کسی حزب الله المفلحون

1 توحید قریشی

2 خالد بلاغی

3 مدیر فجر فجران

4 مدیر اتاق خبر

5 یا هر شخصی که یکی از داعیان به مکتب صحوات بوده.

این مباهله خوفی ندارد زیرا سنت الهی بوده و در امت و میان سلف امت رواج داشته است اگر ما خوارج هستیم و شما اهل سنت و جماعت و مجاهدین بر حق هستید اعلان آمادگی کنید و سکوت و انکار بمنزله ترس و یقین به نهج خود است .

و در آخر دعا می کنم مومنین آمین بگویید .

ای اللّه متعال اگر ما خوارج هستیم و بخاطر منهج و اصول خوارج می جنگیم ما را نابود کن و از بین ببر و پرچم ما را ساقط کن و ای اللّه متعال اگر کسانی که به ناحق به ما تهمتها را میزنند و قلبها و ذهنها را مشوش می کنند یا رب العالمین آنها را لعنت کن و نابود بگردان و آنها را عبرتی برای معتبرین قرار بده یا رب العالمین

و مجاهدین را از منافقین و صحوات مشخص کن و طایفه منصوره را از طایفه مخذله و مخالفه جدا گردان و لشکر ك حزب خودت را هم به فلاح برسان

و آخر دعوانا أن الحمد للّه رب العالمين